تپش
۴
ویژه‌نامه حوادث روزنامه جام جم
چهارشنبه ۸ مرداد ۹۹ ـ شماره ۸۸۴
پرونده ویژه

پرسه در میدان مرگ

گزارشی درباره انفجار مین‌های عمل‌نکرده در مناطق مرزی کشور و قربانیان جدید آن

لیلا حسین‌زاده
تپش

حدود ۳۰ سال از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌گذرد، اما هنوز هم مین‌ها و ادوات انفجاری عمل‌نکرده در زمین‌های پاک‌سازی نشده، بی‌خبر کشته و زخمی می‌گیرند. براساس آمارهای غیررسمی، در سال ۱۶،۹۶ کشته و ۶۵ مجروح، در سال ۱۴،۹۷ کشته و ۴۸ مجروح، در سال ۹،۹۸ کشته و ۲۶ مجروح در اثر انفجار مهمات عمل‌نکرده به آمار سال‌های قبل اضافه شدند.

سال ۹۹ هم البته اوضاع خوب نبود و بازهم خبرهای مربوط به انفجار مین و کشته و مجروح‌شدن عده‌ای از هموطنان‌مان مردم را آزرد. آخرین خبر مربوط به انفجار مین، تیرماه همین امسال منتشر شد. چهار نفر که برای شنا و پیداکردن عسل کوهی به رودخانه کنجان‌چم در مرز مهران استان ایلام رفته‌بودند، هدف یك مین ضد تانك قرار گرفتند که در نتیجه آن سه نفر کشته و یك نفر مجروح شد. با احتساب کشته و مجروح‌شدن این چهار نفر، در سال ۹۹ و تاکنون، هفت نفر کشته و ۹ نفر در اثر انفجار مهمات انفجاری مجروح شده‌اند.

کنجکاوی خطرناك

سلیمان اویسی یکی از قربانیان مین و اهل روستای قره‌موسی شهرستان مهاباد است. سال ۷۳ و درست زمانی که سلیمان ۱۲ساله بود، سرنوشتش تغییر کرد. آن روز او در مزرعه مشغول چراندن گوسفندانش در مزرعه‌ای در حاشیه یك پایگاه نظامی متروکه بود. با این‌که سال ۷۰، منطقه را با بلدوزر پاکسازی کردند، اما پاکسازی به‌طور کامل انجام نشده بود و هنوز هم مین‌های متعددی دور از چشم و زیر زمین جا خوش کرده‌بودند. روز حادثه، شیئی به اندازه یك فندك، توجه سلیمان، برادر، پسرعمو و دو نفر از دوستانش را جلب کرد. سلیمان بی‌این‌که فکر کند چه خطری تهدیدش می‌کند، پیچ زردرنگ روی آن را فشار داد و ناگهان شیء ناشناس در دستان او منفجر شد. پس از این حادثه، دوستانش او را به بیمارستان امام تبریز منتقل کردند. در اثر این انفجار، سلیمان یکی از چشمانش را به‌طور کامل از دست داد و کارایی چشم دیگرش هم فقط در حد تشخیص سایه و نور است. یکی از دستانش از مچ قطع شد و او سه انگشت دست دیگرش را هم از دست داد. از نظر شنوایی هم، گوش چپش ناشنوا شده‌است و پیچیدن صدای وزوز در گوشش آزارش می‌دهد.

> آخرین خبر مربوط به انفجار مین، تیرماه همین امسال منتشر شد. چهار نفر که برای شنا و پیداکردن عسل‌کوهی به رودخانه کنجان‌چم در مرز مهران استان ایلام رفته‌بودند، هدف یك مین ضد تانك قرار گرفتند که در نتیجه آن سه نفر کشته و یك نفر مجروح شد

قربانیان جوان

سعید، یکی از ده‌ها کودکی است که انفجار مین خانه‌نشین‌اش کرد. او ۱۰ سال بیشتر ندارد و سن‌وسالش به جنگ قد نمی‌دهد، اما به‌خاطر منفجرشدن مین و آسیب‌هایی که از آن دیده، او هم جانباز جنگی محسوب می‌شود. سعید و خانواده‌اش عشایر هستند و زمستان که می‌شود، در آن سوی کرخه و نزدیکی شوش ساکن می‌شوند. ۲۸ بهمن ۹۷، زمانی که همراه با خانواده‌اش داشتند از جنوب به سمت همدان کوچ می‌کردند، در سمت غربی کرخه و محدوده نقطه‌ای که عملیات فتح‌المبین برگزار شده‌بود، سعید قربانی مین شد. او بر اثر انفجار مین، چشم‌هایش را از دست داد، دست راستش از مچ قطع شد و پوست گردن، صورت و پاهایش هنوز هم زخم مین را بر خود دارند.

۱۲ بهمن ماه پارسال بود که غرب کرخه، انفجار مین بازهم حادثه آفرید. در این حادثه، ماموران اورژانس، جوان ۲۱ساله عشایر اهل کرمانشاه را با آمبولانس به بیمارستان نظام‌مافی منتقل کردند. مچ پای این فرد بر اثر انفجار قطع شد. دو سال پیش هم بر اثر انفجار مین، جوانی ۲۳ساله در شهر دارخوین در جنوب استان خوزستان کشته شد. از قرار معلوم، این جوان مین را در اطراف خانه پیدا کرده و به‌خاطر کنجکاوی آن را به خانه برده‌بود، اما بر اثر دستکاری، مین منفجرشده و او را تکه‌تکه کرده بود.

انگار مقصر انفجار مین ما هستیم!

مهدی چنانی یکی دیگر از قربانیان مین در سال ۹۹ است. او ۱۴ ساله است و ۲۴ فروردین امسال و به‌دلیل انفجار مین عمل نکرده در حوالی پادگان شهید فرجوانی، مچ یک پایش را به آسانی از دست داد. آن هم درست زمانی که هنوز قدم به دوران نوجوانی نگذاشته و از حالا باید غصه آینده‌اش را بخورد که با یک پای نداشته، چطور روزگارش را بگذراند. این مهم‌ترین دغدغه پدر مهدی است که شب و روزش را با آن سپری می‌کند و نگران آینده اوست که چطور می‌خواهد زندگی کند. مهدی از عشایر شهرستان شوش است و ییلاق و قشلاق کردن، روال همیشگی آنهاست. مهدی مثل همیشه روز حادثه هم رمه‌هایش را برای چرا به صحرا و به نزدیکی‌های پادگان شهید فرجوانی برده بود. مانند بقیه چوپانان مشغول هی کردن گله‌اش بود که ناگهان پایش روی مین رفت و بعد روی زمین افتاد. زمانی که این اتفاق افتاد، مهدی در حال دویدن بود و مین فرصت نکرد آسیب بیشتری به مهدی بزند، وگرنه جانش را از دست می‌داد. هرچند پدر مهدی شکرگزار زنده ماندن مهدی است، اما دل دردمندی از بی‌توجهی به قربانیان مین دارد که پسر خودش هم یکی از آنهاست. آن‌قدر دلش پر است که می‌گوید انگار مسؤول این اتفاق ما هستیم که این‌طور بی‌توجهی می‌کنند.

قربانیان مین مظلو

ناصر سرگران
وکیل دادگستری و قربانی مین

متاسفانه به‌دلیل وجو
استان کشور، هنوز
معلولیت بر اثر انفجا
شدن شهروندان مو
این افراد با توجه به مور
به عنوان جانباز یا شهید شناسایی می‌ش
هم در این زمینه سال ۷۲ وجود داشت،
برای مثال در آن گفته شده‌بود اگر فردی
برخورد با مین کشته یا مجروح شود
اختصاص یافته به آن برخوردار شود. این
که مثلا اگر کودک شش ساله‌ای به‌دلیل
مجروح می‌شد، این‌طور تشخیص داده
سهل‌انگاری دچار مشکل شده و به همی
می‌شود که منطقی به نظر نمی‌رسد.
از همین‌رو، این قانون سال ۸۹ با اصلاحا
مسائل که سال ۷۲ با چالش مواجه بود، ا
نیز متشکل از نهادهای امنیتی، فرمان
و بنیاد شهید و ایثارگران و زیر نظر فرم
که نمایندگان آنها با وقوع انفجار و کش